Axiomathes (2022) 32 (Suppl 3):S781–S783
https://doi.org/10.1007/s10516-022-09635-1

CORRECTION

Correction: Muslim Philosophers on Affirmative Judgement with Negative Predicate

Seyyed Mohammad Ali Hodjati[1]

Published online: 22 December 2022
© The Author(s), under exclusive licence to Springer Nature B.V. 2022

Correction to: Axiomathes
https://doi.org/10.1007/s10516-022-09630-6

In the original publication, the section "10 Appendix: Quotations in Arabic or Persian, used in the paper" has been published incorrectly. The correct version is given this correction.

10 Appendix: Quotations in Arabic or Persian, used in the paper

[text 1]"فنقول: موضوع القضية الموجبة الكلية إمّا أن يكون محصّلاً او معدولاً او سلباً، و على التقادير كلها فالمحمول على أحد الانحاء الثلاثة، و تحصل تسعة انواع من القضايا".

[text 2] "و اربعة هى اقسام سالبة المحمول و هى "كل ج موجود فى الخارج فهو ليس ب فى الخارج" و... و هذه الاربعة تتلازم كل واحدة منها مع نظيرتها من معدولات المحمول، الا الحقيقة الموضوع من سالبة المحمول فانها اعم من نظيرتها من معدولة المحمول..."

[text 3]"و اربعة هى اقسام سالبة الطرفين...و لايتوقف صدق موجبها على الوجود فى الخارج."

The original article can be found online at https://doi.org/10.1007/s10516-022-09630-6.

✉ Seyyed Mohammad Ali Hodjati
hojatima@modares.ac.ir

[1] Department of Philosophy, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

[text 4]"والعدول فی المحمول مع السلب فیه مما یتلازمان اذا کان فی القضیتین ما یوجب اشتراط الوجود فی الخارج و الا یتباینان."

[text 5] " فلئن قلت اذا قلنا ج لیس ب فالسلب إن کان جزءاً من المحمول کانت القضیة موجبةً معدولةً و ان کان خارجاً عن المحمول کانت سالبةً؛ فلا یُتَصوّر سالبةُ المحمول. فنقول السلب خارج عن المحمول فی السالبة و سالبة المحمول، إلّا أنّ فی سالبة المحمول زیادةَ اعتبار: فانّا فی السلب نتصوّر الموضوع و المحمول و النسبة الایجابیة بینهما و نرفع تلک النسبة و فی سالبة المحمول نتصوّر الموضوع و المحمول و النسبة الایجابیة و نرفعها ثُمَّ نَعود و نحمل ذلک السلب علی الموضوع. فإنّه اذا لم یصدق ایجابُ المحمول علی الموضوع یصدق سلبه علیه فیتکرّر اعتبار السب فیها بخلاف السالبة؛ فانّ فیها اربعة امور: تصوّر الموضوع و تصوّر المحمول و تصوّر النسبة الایجابیة و سلبها و فی السالبة المحمول خمسة و هی تلک الامور الاربعة مع حمل السلب علی الموضوع... و من هاهنا تسمعهم یقولون معنی السالبة المحمول أنّ ج شئ سلَبَ عنه المحمول... و معنی السالبة أنّ ج سلب عنه ب و معنی الموجبة أنّ ج یصدق علیه لاب و یحصل لک من هذا أنّ السالبة المحمول لا تستدعی وجودَ الموضوع کما لا یستدعیه السالبة".

[text 6]"...أنّ قسمة الشئ الی الواجب و الممکن و الممتنع، منفصلة حقیقیة، اذ کلّ مفهوم فهو فی ذاته اما ضروری الوجود أو لا فامّا ضروری العدم أو لا. و هذا فی التحقیق منفصلتان حقیقیتان کلّ واحدة منهما یترکب من الشئ و نقیضه..."

[text 7] "...انّ المقسم فی الامور الثلاثة هی حال الماهیة بالقیاس الی الوجود و العدم، و هذه حالة ثبوتیة اتصافیة و إن کان بعض القیود کالإمکان سلبیة، حتی یکون المعقودة به من القضایا موجبة سالبة المحمول لا سالبة بسیطة، فکون الشئ ممکناً عبارة عن اتصافه بسلب ضرورة الطرفین لا لااتصافه بضرورة الطرفین فصدق الإمکان علی شئ معناه صدق الاتصاف به..."

[text 8] "یرد علیه **اولاً** أنّ کون حقیقة الإمکان هو السلب -و السلب رفع النسبة لا نسبة الرفع- یوجب أن لا یکون الإمکان جهة أو مادة فی قبال الوجوب و الامتناع بمعنی کیفیة النسبة اذ لا نسبة هناک و لا کیفیة."

[text 9] "آغاز فصل...این است «کلّ مفهوم فهو فی ذاته إمّا ضروری الوجود او لا فإمّا ضروری العدم او لا...». بدون تردید در جمله «فإمّا ضروری العدم...» ضمیری مقدر است... فهو إمّا ضروری العدم او لا...». به نظر نگارنده مرجع ضمیر (هو) عیناً همان مفهوم است که در تقسیم اول مقسم واقع شده و در تقسیم دوم نیز همان چیز عیناً مقسم قرار می گیرد و تقسیم اول و دوم بر یک محور دور می زند... توضیح اینکه ما (کلّ مفهوم) را در هر دو تقسیم مقسم قرار می دهیم و می گوئیم هر مفهومی یا ضروری الوجود است یا ضروری الوجود نیست و باز تقسیم خود را با اعتبار دیگر از همان مقسم اول شروع کرده و می گوئیم و هر مفهومی یا ضروری العدم است یا نیست و نتیجه این است که ما دو قضیه منفصله حقیقیه را که هر دو بر روی سلب و ایجاب دور می زنند بر محور یک مقسم تشکیل داده و سلب حاصل از این تقسیم را امکان خاص می نامیم..."

[text 10] "در عبارت فوق که از صدر المتألهین نقل شده، تقسیم دوم (فإمّا ضروری العدم ام لا) با فاء تفریع آمده و به طور وضوح تفرّع تقسیم دوم بر اول را می رساند و با این وضع این دو تقسیم را در عرض هم گرفتن بسیار عجیب است گذشته از اینکه کسی ار فلاسفه تقسیم عقود ثلاثه را به طور دو تقسیم عرضی نگرفته است."

[text 11] "...ان السلب البسیط قد یکون وارداً علی النسبة الحکمیة و یکون مفاده مفاد القضیة السالبة فلا حاجة فیها الی مطابق للحکم کما لا یحتاج الی وجود موضوع من تلک الجهة. و اما اذا صار فی طرف الحکم او جزء المحمول حتی یکون مفاد الحکم به مفاد قضیة موجبة سالبة المحمول فلا بد هناک من وجود موضوع مطابق لذلک السلب البسیط و قد ثبت فی "ضابط علم المیزان" تسویغ ردّ السوالب الی الموجبات عند وجود الموضوع. فکما صدق "ان لیس کذا بجسم" صدق "ان کذا لیس بجسم"؛ فالسالبة البسیطة و الموجبة السالبة المحمول متلازمان فی الصدق و التحقق عند وجود الموضوع..."

[text 12] "...همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد حمل عدولی بمعنی شایستگی موضوع برای داشتن محمولی است که در هنگام حمل موضوع فاقد آن می باشد. و اگر چنین است که ماهیت در مرتبه ذات شایستگی وجود یا عدم را دارد پس این سخن که : « ماهیت در مرتبه ذات هیچ چیز دیگری جز خودِ ماهیت نیست» نقض شده و ماهیت در مرتبه ذات خود شایسته وجود یا عدم می باشد."

[text 13] "این نظریه نیز اشتباه و غیر قابل قبول می باشد. زیرا یکی از مسائل غیر قابل تردید فلسفه است که هیچ امر مفروض از نقیضین خارج نیست. مثلاً هر امر مفروض یا انسان است یا لاانسان یا حجر است یا لاحجر...کوه دماوند اگر بینا نباشد بالضروره غیر بینا خواهد بود...البته میان این دو محمول منفی و مثبت انسان و لاانسان و بینا و غیر بینا مثلاً تقابل تناقض است نه عدم و ملکه..."

[text 14] "السلب اذا تأخر عن الربط فهو بمعنی العدول، سواء کان لفظة "لیس" مؤلفاً مع غیره او لفظة "لا" مرکبةً بغیره؛ لأن جمیع ذلک المؤلف او المرکب بمنزلة مفرد یحکم به، لأن القضیة لایمکن أن یحمل علی مفرد حمل هو هو، فیکون معناه کل شئ یقال علیه ج علی الوجه المقرر فذلک الشئ هو الشئ الذی یحکم أنه لیس ب او لاب، او بأی عبارة شئت..."

The original article has been corrected.

Publisher's Note Springer Nature remains neutral with regard to jurisdictional claims in published maps and institutional affiliations.